



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما الصلوة والسلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

روزنامه سلامت افراطیه

استخراج:
دکتر علینان
درخشان



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

روزشمار فاطمیه: نگاهی گذرا به حوادث و رویدادها از رحلت پیامبر تا هجوم به خانه فاطمه

نویسنده:

عدنان درخشان

ناشر چاپی:

تك

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۹	روزشمار فاطمیه: نگاهی گذرا به حوادث و رویدادها از رحلت پیامبر تا هجوم به خانه فاطمه
۹	مشخصات کتاب
۱۰	اشاره
۱۷	حوادث روز دوشنبه
۱۷	اشاره
۱۷	آخرین نماز پیامبر صلی الله علیه و اله
۱۸	آخرین خطبه پیامبر صلی الله علیه و اله
۱۹	وفات پیامبر صلی الله علیه و اله
۲۰	سقیفه ی بنی ساعده
۲۱	بیعت اولیه
۲۱	تغسیل و تکوین پیامبر صلی الله علیه و اله
۲۲	ورود قبیله «أسلم»
۲۳	حوادث شام گاه دوشنبه
۲۵	حوادث روز سه شنبه
۲۵	اشاره
۲۵	بیعت عمومی
۲۶	تلاش برای تطمیع عباس عموی پیامبر صلی الله علیه و اله
۲۷	تدفین پیامبر صلی الله علیه و اله
۲۹	حوادث روز چهارشنبه
۲۹	اشاره
۲۹	جمع آوری قرآن
۳۰	آغاز تحصن
۳۰	اولین هجوم مقدماتی

۳۱	دومین هجوم ابتدایی
۳۳	حوادث روز پنجشنبه
۳۳	اشاره
۳۳	ادامه جمع آوری قرآن و تحضن
۳۵	حوادث روز جمعه
۳۵	اشاره
۳۵	اتمام جمع آوری قرآن
۳۶	هجوم منجر به شکست تحضن
۳۷	اولین شب یاری طلبی
۳۹	حوادث روزهای شنبه و یکشنبه
۳۹	اشاره
۳۹	مصادره اموال
۴۱	دومین و سومین شب یاری طلبی
۴۳	حوادث روز دوشنبه
۴۳	اشاره
۴۳	اتمام حجت و آغاز سکوت
۴۳	عرضه ی قرآن
۴۴	خطبه «وسیله»
۴۷	حوادث روزهای سه شنبه و چهارشنبه
۴۷	اشاره
۴۷	فهرست اموال مصادره شده
۵۱	حوادث روز پنجشنبه
۵۱	اشاره
۵۱	آغاز مصادره فدک
۵۲	خطابه فاطمی
۵۳	واکنش تند خلیفه

۵۴	هم پیمانی دوازده نفر
۵۷	حوادث روز جمعه
۵۷	اشاره
۵۷	دوازده مرد پایدار
۵۸	تاثیر احتجاج در مسجد
۵۹	حوادث روزهای شنبه، یکشنبه، دوشنبه
۵۹	اشاره
۵۹	سه روز خانه نشینی و برنامه ریزی
۶۱	حوادث روز سه شنبه
۶۱	اشاره
۶۱	سقیفه ای دیگر
۶۲	مصادره قطعی فدک
۶۳	حوادث روز چهارشنبه
۶۳	اشاره
۶۳	فهرست دیگری از اموال مصادره شده
۶۵	حوادث روز پنجشنبه
۶۵	اشاره
۶۵	آغاز تلاش برای بازپس گیری فدک
۶۶	تنظیم سند استرداد فدک
۶۶	بازپس گیری فدک
۶۷	حوادث روزهای جمعه تا پنجشنبه
۶۷	اشاره
۶۷	سرمدت از پیروزی
۶۸	تجمع مردان مصلح
۶۹	آخرین هجوم (=هجوم اصلی)
۷۲	بیعتی نمایشی

آخرین جلوه فاطمی ۷۳

دورنمای حوادث فاطمیه ۷۵

منابع استخراج روز شمار فاطمیه ۷۹

درباره مرکز ۸۰

روزشمار فاطمیه: نگاهی گذرا به حوادث و رویدادها از رحلت پیامبر تا هجوم به خانه فاطمه

مشخصات کتاب

سرشناسه: درخشان، عدنان، 1352

عنوان و نام پدیدآور: روزشمار فاطمیه: نگاهی گذرا به حوادث و رویدادها از رحلت پیامبر تا هجوم به خانه فاطمه / استخراج عدنان درخشان.

مشخصات نشر: تهران: انتشارات تک، 1388.

مشخصات ظاهری: 72 ص. شابک: 4 - 04 - 6737 - 964 - 978

وضعیت فهرست نویسی: فیپا.

موضوع: فاطمه زهرا، 8 قبل از هجرت - 11 ق. سال شمار.

موضوع: اسلام، تاریخ، از آغاز تا 11 ق.

رده بندی کنگره: 9 ر 42 د / 2 / BP27

رده بندی دیویی: 297/973

شماره کتابشناسی ملی: 1078551

ص: 1

شابک 4 - 04 - 6737 - 964 - 4 978 - 04 - 6737 - 964 - ISBN 978

روزشمار فاطمیه

مؤلف: عدنان درخشان

با همفکری: علی لباف - فرشاد عسگری

ناشر: تک

حروفچینی و صفحه آرایی: شبیر

نوبت چاپ: اول / 1388 شمارگان: 10000 نسخه چاپ: پدیده گوتنبرگ

مراکز پخش: خیابان مجاهدین، چهارراه آسردار، ساختمان پزشکان، واحد 9 تلفن و فاکس: 36 18 52 77 (خط 6) تهران، خیابان ایران، خیابان مهدوی پور، پلاک 64 تلفن: 801 66 335 (خط 4) همراه: 36 18 752 (0935)

1000 تومان

ص: 2

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 3

روز وفات

آخرین نماز پیامبر صلی الله علیه و اله

آخرین نماز پیامبر صلی الله علیه و اله

صدای اذان بلال بلند می شود. هنگام نماز صبح، اهل مدینه برای اقامه نماز به سوی مسجد می آیند. در میان تعجب حاضران، ابوبکر - پسر ابی قحافه - که باید به همراه سپاه أسامة بن زید حرکت کرده و از مدینه خارج شده باشد؛ به مسجدالنبی صلی الله علیه و اله وارد می شود و به عنوان امام جماعت، که نماز را آغاز می کند. دوستان وی از جمله: عمر فرزند خطاب و ابوعبیده، از سپاه أسامه خارج شده اند و او را همراهی میکنند.

بلال خبر این توطئه را به خانه پیامبر صلی الله علیه و اله می رساند.

پیامبر صلی الله علیه و اله که به شدت بیمار هستند، با شنیدن این خبر غضبناک می شوند.

امیر مؤمنان و فضل بن عباس - پسر عموی پیامبر - زیر بغل

ص: 9

آن حضرت را میگیرند و پیامبر صلی الله علیه و اله - در حالی که پاهای مبارکشان بر روی زمین کشیده می شود - به مسجد وارد می شوند. رسول خدا صلی الله علیه و اله ابوبکر را کنار می زنند و خود، نماز را نشسته برگزار می نمایند و مسلمانان به ایشان اقتدا میکنند.

آخرین خطبه پیامبر صلی الله علیه و اله

پس از نماز، پیامبر صلی الله علیه و اله به زحمت بر اولین پله ی منبر خویش قرار میگیرند و با اشاره به حدیث ثقلین، بار دیگر بر راه هدایت پافشاری می نمایند و در برابر سؤال معترضانه عمر، تک تک اهل بیت را معرفی می فرمایند و در انتها، از وجود فتنه های بی پایان سخن به میان می آورند.

پیامبر صلی الله علیه و اله از منبر پایین آمده و به منزل خویش بر میگردند.

ابوبکر و یارانش، دیگر تا هنگام وفات پیامبر صلی الله علیه و اله دیده نمی شوند.

ابوبکر به طرز مشکوکی به خارج از مدینه - به منزل خویش در «سُنج» - رفته است.

به دستور پیامبر صلی الله علیه و اله بر بدن مبارک آن حضرت، آب می ریزند. تب، اندکی فرونشسته است.

پیامبر صلی الله علیه و اله بار دیگر «اسامه» را فرامی خوانند و برای چندمین بار به او دستور اکید می دهند که با سپاهیان خویش، شهر مدینه را ترک کند.

وفات پیامبر صلی الله علیه و اله

اندکی بعد، بیماری پیامبر صلی الله علیه و اله شدت می یابد. آن حضرت صلی الله علیه و اله، امیر مؤمنان علیه السلام را فرامی خوانند. امیر مؤمنان علیه السلام سر پیامبر صلی الله علیه و اله بر سینه خود میگیرند. لحظاتی بعد، پیامبر صلی الله علیه و اله در حجره شخصی خویش و در سن 63 سالگی، دار فانی را وداع می گویند.

خبر رحلت خاتم الانبیا صلی الله علیه و اله به سرعت مدینه را درمی نوردد و سپاه اسامه این خبر را - توسط پیکی که عایشه او را روانه کرده است - در «جُرف» می شنود.

عمر بن خطاب و ابوعبیده، به سرعت سپاه را ترک میکنند و به مدینه باز می گردند.

عمر به مسجد پیامبر صلی الله علیه و اله وارد می شود و پیوسته فریاد میکشد: رسول خدا نمرده است!... هرکس بگوید که او مرده، با این شمشیر او را نشانه می روم.

این سخنان، رنگ خشونت به خود می گیرد.

خبر وفات، با کمی تأخیر به مدینه نیز می رسد و ابوبکر مدتی بعد خود را به سرعت و با یک شتر که از پیش آماده کرده اند - به مدینه می رساند و به مسجدالنبی صلی الله علیه و اله وارد می شود.

او روانداز پیامبر صلی الله علیه و اله را کنار می زند و پس از اطمینان از وفات آن حضرت، بر می خیزد و می گوید:

هرکس محمد را می پرستید، بداند که او مرده است و هرکس خدا را می پرستید، پس بداند که خدا زنده است و نمی میرد.

ابوبکر در خانه پیامبر صلی الله علیه و اله، در کناری نشسته است و حوادث را به دقت زیر نظر دارد.

«مَعْن بن عَدِي» و «عُوَيْم بن سَاعِدَه» خبر گردهم آیی انصار در سقیفه را به عمر می رسانند.

او نیز ابوبکر را باخبر می سازد و هر دو، روانه سقیفه بنی ساعده می شوند.

ابوبکر در راه، ابوَعُبَيْدَه را نیز با خود همراه می سازد.

در سقیفه، به علت اختلاف دیرینه دو قبیله «اُوس» و «خَزْرَج»، مهاجرین با یاری هواداران قدیمی خود در میان انصار که بر این اختلاف دامن می زدند - گوی سبقت را از سَعْد بن عَبَادَه ی انصاری می ربایند.

انصار در رقابت بایکدیگر، برای بیعت با ابوبکر پیش دستی میکنند. ابتدا بَشِير بن سَعْد خَزْرَجِي و سپس أُسَيْد بن حُصَيْنِر اُوسِي که هر دو از هواداران با سابقه ابوبکر به شمار می آیند - به شتاب بیعت میکنند تا سایر انصار نیز از آن دو پیروی کنند.

عمر و ابوَعُبَيْدَه نیز پس از آن دو با ابوبکر بیعت کرده اند.

... گرد و غبار همه جا را فراگرفته است.

عمر فریاد می زند و به سوی سَعْد بن عَبَادَه حمله ور می شود. سعد بن عباده را از زیر دست و پا خارج می کنند و از سقیفه بیرون می برند.

اوضاع کم کم به نفع ابوبکر آرام می شود...

بیعت اولیه

ابوبکر از سقیفه به سوی مسجد پیامبر صلی الله علیه و اله خارج می شود. اطرافیان او، هرکس را که در راه می بینند، گرفته و نزد ابوبکر می آورند؛ دست او را جلو آورده و به عنوان بیعت، به دست ابوبکر می زنند.

بدین ترتیب، ابوبکر به همراه هوادارانش وارد مسجد می شود.

هنگام ظهر است؛ ابوبکر به عنوان خلیفه رسول خدا صلی الله علیه و اله نماز می گزارد!

سخنران قبل از نماز، عمر بن خطاب است.

تغسیل و تکوین پیامبر صلی الله علیه و اله

مراسم غسل و کفن پیامبر صلی الله علیه و اله با تمامی آداب و مستحبات آن، به پایان رسیده است و جز امیر مؤمنان علیه السلام، صدیقه کبری، حسنین علیهم السلام، سلمان، ابوذر، مقداد، عمار، حذیفه، ابی بن کعب و... - جماعتی که نزدیک به چهل نفرند - کس دیگری در نماز بر جنازه پیامبر صلی الله علیه و اله حاضر نمی شود.

پس از نماز، امیر مؤمنان علیه السلام خطبه ای کوتاه، خود را در امر خلافت از مهاجر و انصار برتر می دانند.

جو مسجد و اطراف آن هر لحظه سنگین تر می شود.

عمر به همراه گروهی در مدینه می چرخند و در کوچه های آن فریاد می زنند:

همانا با ابوبکر بیعت شده است، پس برای بیعت بشتابید.

قبیله أسلم که گویا با هماهنگی قبلی در بیرون مدینه آماده بودند، با چوب دستی های بلندی وارد مدینه می شوند.

عمر بن خطاب با دیدن افراد این قبیله، مطمئن می شود که حکومت آنها پابرجا خواهد شد.

افراد این قبیله، دستور دارند که همگان را برای بیعت به مسجد بفرستند و اگر کسی امتناع کرد، به سر و پیشانی او بزنند.

مدتی بعد، این گروه که با لباس های هماهنگ مشخص هستند، وارد خانه های مردم مدینه می شوند و افراد را به اکراه برای بیعت بیرون می آورند. کوچه های مدینه از شدت تحرک آنان برای گرفتن بیعت، تنگ شده است.

در شامگاه روز دوشنبه، زید بن ثابت که نَسَبی یهودی دارد و جوانی تازه مسلمان است، به خانه انصار می رود و از جانب ابوبکر، بین آنها خرما پخش میکند.

زنی از انصار با رد این بذل و بخشش مخفیانه، در مقام اعتراض می گوید:

آیا در دینم به من رشوه می دهید؟

در انتهای شب، «براء بن عازب» که از حوادث پیش آمده به شدت اندوهگین است، سکوت سنگین مسجد پیامبر صلی الله علیه و اله را نمی تواند تحمل کند و با خارج شدن از آن جا، به سوی محله «بَنی بَیاضه» حرکت میکند.

در آنجا، عده ای را می بیند که بر سر پیمان غدیر استوارند و می خواهند در برابر پیمان شکنان و کودتاچیان ایستادگی کنند.

نام آنها چنین است:

مقداد، عمار، ابوذر، سلمان، عبادة بن صامت، حذیفة بن یمان و زُبیر.

فرد دیگری که هم اعتقاد با آنان است اما چون گرفتار تردید شده، از پشت در بسته آنان را تأیید میکند، اُبی بن کعب نام دارد.

یک روز پس از وفات

بیعت عمومی

ساعاتی پیش از ظهر، ابوبکر، عمر و ابوعمیه به مسجد وارد می شوند و با ورود آنان، بلافاصله عثمان و قومش (بنی امیه) و عبدالرحمان بن عوف و قبیله اش (بنی زهره) که در مسجد بودند، برخاسته و بیعت میکنند.

آری! امروز، روز بیعت عمومی است. مسلمانان که دیروز، تهدید و دیشب، تطمیع را تجربه کرده اند، امروز برای بیعت با ابوبکر از یکدیگر پیشی می گیرند و دست خویش را با دست های خلیفه آشنا میکنند تا گوی سبقت را از هم برابند. در گوشه شرقی و چسبیده به مسجد، حجره ای قرار دارد که جنازه پیامبر صلی الله علیه و اله، در آن جای گرفته است. این خانه، خاموش است.

هنوز اهل سقیفه و برخی همسران پیامبر صلی الله علیه و اله برای نماز خواندن بر جنازه رسول خاتم صلی الله علیه و اله وقت پیدا نکرده اند.

گروهی از اطرافیان دستگاه خلافت، به جهت خوش خدمتی به خلیفه، در کنار منزل امیر مؤمنان علیه السلام فریاد «بیعت کنید» و «از اجتماع مسلمانان دوری نگزینید» سر می دهند.

در این روز، سخن از تهدید نیز به میان می آید.

تلاش برای تطمیع عباس عموی پیامبر صلی الله علیه و اله

در انتهای شب، در جلسه ای مشورتی، ابوبکر، نظر عمر، ابوعبیده و مغیره بن شعبه را درباره ایجاد شکاف بین بنی هاشم خواستار می شود. مغیره بن شعبه پیشنهاد تطمیع و مصالحه با عباس -عموی پیامبر- را مطرح میکند. (1)

این گروه چهار نفره، همان شب با مراجعه به منزل عباس بن عبدالمطلب برای او و فرزندانش سهمی از خلافت را پیشکش میکنند. پاسخ منفی عباس این نقشه را به بن بست میکشاند.

جنازه پیامبر صلی الله علیه و اله هنوز بر روی زمین است.

کسانی که قصد خداحافظی با پیامبر خویش را داشتند، دیروز برای خواندن نماز حاضر شده اند و امروز (سه شنبه) کمتر کسی به خانه پیامبر صلی الله علیه و اله مراجعه میکند.

امیر مؤمنان علیه السلام چند بار برای سقیفه گران پیام می فرستند تا برای نماز بر پیامبر صلی الله علیه و اله آماده شوند.

ص: 18

1- در یکی از همین روزها، حزب حاکم، با پرداخت رشوهای کلان به ابوسفیان، حمایت جناح بنی امیه را به دست آورد و بدین ترتیب، یکی از قوی ترین رقبای سیاسی خود را به زانو در آورد.

تدفین پیامبر صلی الله علیه و اله

در انتهای روز، ابوبکر و عمر که در مسجد به گرفتن بیعت مشغول اند، اعلام میکنند که نمی توانند بر جنازه پیامبر صلی الله علیه و اله که در خانه مجاور مسجد است، حاضر شوند.

امیر مؤمنان علیه السلام، به تدفین پیامبر صلی الله علیه و اله مشغول می شوند و بدن پیامبر صلی الله علیه و اله در شب چهارشنبه، دو روز پس از وفات، به خاک سپرده می شود.

هنوز اطرافیان خلافت و برخی همسران پیامبر صلی الله علیه و اله (1) بر جنازه آن حضرت صلی الله علیه و اله نماز نخوانده اند.

عایشه که اتاق او در گوشه مسجد واقع است، می گوید: به خدا قسم! نفهمیدم پیامبر چه زمانی دفن شد، تا این که در شب چهارشنبه، صدای بیل ها را از حجره پیامبر شنیدم!

همانا سقیفه گران، هدف دیگری را دنبال می کنند.

ص: 19

1- عایشه و حفصه.

دو روز پس از وفات

جمع آوری قرآن

امیر مؤمنان علیه السلام از اینک به سفارش رسول خدا صلی الله علیه و اله تا به امر مهم دیگری دست یازیده اند: جمع آوری قرآن.

امروز، اولین روز از ایام جمع آوری قرآن است.

در ایام رسالت رسول خدا صلی الله علیه و اله، آیات قرآن بر روی پوست حیوانات، سنگ های صاف، استخوان کتف شتر و... نوشته و ثبت می شد. اینک در فقدان نبی صلی الله علیه و اله، پایان ایام نبوت و اتمام نزول قرآن، همه آیات، در یک مجموعه و به شیوه ای خاص، قابل جمع آوری است.

این جمع آوری، بر عهد، وصی پیامبر خاتم صلی الله علیه و اله است.

آن حضرت علیه السلام، قرآن را براساس ترتیب نزول آیات و مشخص کردن مواردی چون: شأن نزول، محکم و متشابه، مطلق و مقید، ناسخ و منسوخ و تفسیر و تاویل هریک از آیات آن، گردآوری می کنند.

در مسجد، همچنان اخذ بیعت برای ابوبکر صورت میگیرد.

گروهی از صحابه، به نشانه اعتراض به غصب خلافت، به خانه حضرت زهرا علیها السلام وارد شده و در آن جا متحصن می شوند.

در روز اول، عده ای مانند زُبیر، مقداد و گروهی از انصار به همراه عده کمی از مهاجران، در این خانه اجتماع کرده اند.

این اولین روز از روزهای سه گانه تحصن است.

اولین هجوم مقدماتی

ابوبکر، به اصرار عمر، قُنْفُذ - پسر عموی عمر - را که به خشونت مشهور است، می فرستد تا امیر مؤمنان علیه السلام را - که اینک از مراسم تجهیز و تدفین رسول خدا صلی الله علیه و اله فارغ شده اند - برای بیعت فراخواند. عمر اصرار دارد که: تا از او بیعت نگیریم، به جایی نرسیده ایم.

برخی از طرفداران، گرفتن بیعت را در آن شرایط، مناسب نمی دیدند، اما عمر همچنان اصرار بر گرفتن بیعت میکند.

قُنْفُذ سه بار مراجعه می کند.

در مرتبه اول بیان میکند: با خلیفه ی رسول خدا صلی الله علیه و اله بیعت کنید که او، شما را می خواند.

در مرحله دوم میگوید: با خلیفه مسلمانان بیعت کنید.

و در سومین مراجعه، ادعا می کند: امیر المؤمنین ابوبکر را اجابت کرده و با او بیعت کنید.

پاسخ، در هر سه بار روشن است. اهل بیت علیهم السلام این القاب را مخصوص امیر مؤمنان علی علیه السلام می دانند و با ناراحتی هر چه تمامتر او را جواب می گویند.

پس از مراجعه سوم، عمر که قصد ارباب حاضران را نیز دارد، خطاب به ابوبکر می گوید:

امر خلافت جز باکشتن او به استواری نخواهد رسید.

ابوبکر، زیرکانه او را به آرامش فرا می خواند و به قُنْفُذ می گوید که بار دیگر مراجعه کند و به امیر مؤمنان علیه السلام بگوید:

پاسخ ابوبکر را بده.

امیر مؤمنان علیه السلام در پاسخ می فرمایند:

من به سفارش برادرم رسول خدا صلی الله علیه و اله، مشغول جمع آوری قرآن هستم و از خانه خارج نمی شوم؛ تو نیز به نزد ابوبکر بازگرد.

دومین هجوم ابتدایی

اینک، نوبت عمر است؛ او با اشاره ابوبکر، به همراه قُنْفُذ به خانه امیر مؤمنان علیه السلام می آید.

عمر، از خشونت و اعمال زور سخن به میان می آورد.

او حتی اهل خانه را به احراق و آتش زدن تهدید می کند.

آنان می دانند که برای اعلان رسمی خلافت، احتیاج دارند که بیعت شخص علی بن ابی طالب علیه السلام را به همراه داشته باشند. در این ماجرا، امیر مؤمنان علیه السلام با حضور در آستانه در میفرمایند:

ص: 23

قسم یاد کرده ام که از خانه خارج نشوم و ردا بر دوش نگیرم، تا آن که قرآن را جمع آوری کنم.

این سخن، مهاجمان را که شرایط را مناسب نمی بینند، به ظاهر آرام می کند.

آنان پراکنده می شوند تا در فرصتی دیگر باز گردند...

ص: 24

سه روز پس از وفات

ادامه جمع آوری قرآن و تحصن

با طلوع خورشید، فراق و دوری مسلمانان از پیامبرشان صلی الله علیه و اله، به سومین روز خود، وارد می شود.

امروز نیز امیر مؤمنان علیه السلام به جمع آوری قرآن مشغول اند.

تاریخ حکایت میکند که این امر مهم، سه روز متوالی به طول انجامیده است.

هنوز هم عده ای به نشانه اعتراض، به خانه امیر مؤمنان علیه السلام رفت و آمد دارند.

در این روز یا روز بعد، در میان متحصنان در خانه امیر مؤمنان، نام طلحه و سعد بن ابی وقاص نیز مشاهده می شود.

بی شک، این دو نفر از عاملان دستگاه خلافت هستند و آمده اند تا از درون تحصن کنندگان اخبار را پیگیری نمایند.

چهار روز پس از وفات

اتمام جمع آوری قرآن

امروز، سومین و آخرین روزی است که امیر مؤمنان علیه السلام به جمع آوری قرآن مشغول اند.

آن حضرت علیه السلام قرآن را به ترتیب نزول، همراه با مطالبی حاوی شأن نزول، تفسیر و تأویل، زمان نزول، ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه و ... تدوین می نمایند.

در پایان این روز پرماجرا، این گردآوری نیز به اتمام خواهد رسید. اکنون، این یادگار نبوت، از گزند تغییر، تحریف و نسیان در امان است.

اینک، اولین نماز جمعه به امامت ابوبکر صورت می پذیرد.

آن گروه که به نشانه اعتراض در خانه امیر مؤمنان علیه السلام تحصن کرده بودند، امروز نیز به خانه آن حضرت علیه السلام می آیند و از شرکت در نمازی که در مسجدالنبی تشکیل شده است، امتناع می کنند.

بار دیگر قُنفُذ - غلام ابوبکر - با گروهی راهی می شود تا متخلفان را که در خانه حضرت امیر علیه السلام جمع شده اند، برای بیعت با ابوبکر فراخواند. متحصنان در خانه امیر مؤمنان علیه السلام از خروج امتناع می کنند.

قُنفُذ در کنار خانه می ایستد و فردی را به سوی خلیفه روانه میکند تا کسب تکلیف نماید.

این بار، عمر به همراه گروه زیادی از انصار و عده کمی از مهاجران، به سوی خانه امیر مؤمنان علیه السلام حرکت می کنند.

خالد بن ولید از مهاجران و اُسَید بن حُصَیر (نقیب قبیله ی اوس)، سَلَمَة بن سَلَمَة (1)، زیاد بن لَبید انصاری، زید بن اَسَلَم، محمد بن مَسَلَمَة و... از انصار، عمر را همراهی میکنند.

عمر و اطرافیان وی پس از رسیدن به خانه امیر مؤمنان علیه السلام، با فریاد و سر و صدا تهدید را آغاز میکنند و از متحصنان می خواهند که خارج شده و بیعت کنند.

در این میان چند نفری از جمله زید بن اَسَلَم، هیزم می آورند و تهدید به آتش زدن خانه جدی تر می شود.

از میان تحصن کنندگان، زُبَیر با شمشیر خارج می شود.

عده ای بر سر او می ریزند و دستش را میگیرند و شمشیر وی را با کوبیدن به سنگ می شکنند.

مهاجمان به خانه وارد می شوند و تمامی تحصن کنندگان را

ص: 28

1- در برخی مدارک نام او سلمة بن اَسَلَم نیز آمده است. وی نیز از قبیله اوس است.

خارج میکنند و همگی آنها را به زور تا مسجد می کشانند و از همگی بیعت می گیرند.

در این میان، امیرمؤمنان علیه السلام که قسم یاد کرده اند تا قرآن را جمع نکنند از خانه خارج نشوند، همچنان در منزل خویش باقی می مانند. مهاجمان نیز با توجه به تهدید حضرت صدیقه کبری به انجام

نفرین، اقدام بیشتری برای گرفتن بیعت از وی انجام نمی دهند.

اهل سقیفه به سخن می آیند: علی یک نفر است، به بیعت او احتیاجی نیست.

اما در این هجوم، به شدت حرمت بیت علوی علیه السلام می شکند و بیت فاطمه علیها السلام تا مرز سوختن در آتش جلو می رود.

اولین شب یاری طلبی

در پایان روز، پس از آن که امیرمؤمنان علیه السلام از جمع آوری قرآن فارغ می شوند، برای اتمام حجت، به خانه تک تک مهاجران و انصار که در جنگ بدر شرکت داشتند، می روند.

خاندان وحی علیهم السلام نیز همگی، آن حضرت علیه السلام را همراهی می کنند.

حضرت صدیقه علیها السلام سوار بر مرکب و حَسَنین علیهما السلام دست در دستان امیرمؤمنان علیه السلام.

عده ای بهانه می آورند؛ برخی سکوت اختیار میکنند؛ دسته ای بی شرمانه میگویند:

اگر این سخنان را زودتر می شنیدیم، با شما بیعت میکردیم ...

پنجمین و ششمین روز پس از وفات

مصادره اموال

صبح شنبه، حضرت زهرا علیها السلام برای بازپس گیری اموال خویش، به سراغ ابوبکر که در مسجد نشسته است، می روند. آری، ترفند دیگری از سوی سقیفه گران، به اجرا درآمده است.

ابوبکر با استناد به سخنی که به دروغ آن را به پیامبر صلی الله علیه و اله نسبت می دهد، ادعا می کند که شنیده است:

ما گروه پیامبران، ارث نمی گذاریم.

در نتیجه، او هر آن چه را که متعلق به حضرت زهرا علیها السلام و خاندان نبوت است، مصادره می کند.

پس از آگاهی حضرت زهرا علیها السلام از این ترفند، آن حضرت علیها السلام برای احقاق حقوق مالی خویش، به سراغ ابوبکر می روند.

عده ای در اطراف ابوبکر در مسجد نشسته اند.

با ورود حضرت زهرا علیها السلام به مسجد و مطالبه اموال از سوی

ایشان، ابوبکر ادعای خویش را تکرار می کند و می گوید:

از پیامبر شنیده ام: ما انبیا ارث نمی گذاریم.

این سخن را حضرت زهرا علیها السلام جعلی می خوانند و انتساب آن را به پیامبر صلی الله علیه و اله نا مردود می شمارند.

ابوبکر به نرمی سخن می گوید و با همدستی اطرافیان وی، دادخواهی حضرت زهرا علیها السلام به جایی نمی رسد.

از این زمان تا روز نهم پس از وفات، مراجعه های چند باره حضرت زهرا علیها السلام برای استرداد اموال در تاریخ ثبت شده است.

با شنیدن این سخن عجیب، همسران پیامبر صلی الله علیه و اله نزد عایشه می روند.

آنان نگران وضعیت زندگی خویش در خانه های متعلق به پیامبر صلی الله علیه و اله هستند و از درستی حدیث «ما انبیا ارث نمی گذاریم» سؤال می کنند.

عایشه با تأیید این سخن، آن را روایتی درست می شمارد!!

نگرانی همسران پیامبر صلی الله علیه و اله افزایش پیدا می کند.

دستگاه خلافت از طریق عثمان خبر می آورد که همسران پیامبر صلی الله علیه و اله از جمله عایشه دختر ابوبکر و حفصه دختر عمر، می توانند در خانه های خویش زندگی کنند.

حکم مصادره ارث پیامبر صلی الله علیه و اله تنها در مورد دختر پیامبر صلی الله علیه و اله اعمال خواهد شد؟

دومین و سومین شب یاری طلبی

در انتهای این دو شب، امیرمؤمنان علیه السلام، بار دیگر حضرت زهرا علیها السلام را بر روی مرکبی می نشانند و دست حسنین علیهما السلام را می گیرند و به طلب یاری و اتمام حجت، به در خانه مهاجران و انصار می روند.

بسیاری درها را باز نمی کنند و پاسخ نمی گویند.

باز هم گروه بسیار اندکی دعوت آن حضرت علیه السلام را اجابت می کنند.

ص: 33

هفتمین روز پس از وفات

اتمام حجت و آغاز سکوت

اتمام حجت و آغاز سکوت نصرت خواهی امیر مؤمنان علیه السلام پس از سه روز، به پایان می رسد و تکلیف قیام با شمشیر، از دوش جانشین بر حق رسول خدا صلی الله علیه و اله برداشته می شود. آن حضرت علیه السلام در آغاز صبح، به چهار تن از یاران باوفایش (مقداد، سلمان، ابوذر، زُبَیر) امر می کنند که به خانه برگردند و سکوت اختیار کنند.

این گروه اندک، تنها یاران واقعی در آن شرایط حساس اند و به یاری دیگران امیدی نیست.

عرضه ی قرآن

مهم ترین واقعه امروز، عرضه قرآن توسط امیر مؤمنان علیه السلام است. آن حضرت علیه السلام وارد مسجد شده -در حالی که گروهی در اطراف ابوبکر در مسجد حاضر هستند- با صدای بلند می فرمایند:

ای مردم! من پس از پایان غسل و دفن رسول خدا صلی الله علیه و اله، به جمع آوری قرآن مشغول شدم، اینک این قرآن، که یکی از دو ثقل است و من، که ثقل دیگر آن هستم.

در این قرآن، تنزیل و تأویل و ناسخ و منسوخ روشن است، تا روز قیامت نگویید که من، کتاب خدا را از آغاز آن تا انتهایش برایتان نیاوردم. عُمر پاسخ می دهد: ما را به تو و قرآنی که آورده ای، احتیاج نیست، ما نزد خود قرآن داریم.

خطبه «وسيله»

در پی این سخن، امیر مؤمنان علیه السلام خطبه ای رسا ایراد می فرمایند:

... ای مردم! آیا نشنیدید که پیامبر صلی الله علیه و اله درباره من فرمود:

نسبت علی به من همانند نسبت هارون به موسی است، مگر این که پس از من، پیامبری نیست...

و این که [در غدیر خم، پیامبر صلی الله علیه و اله] فرمود:

هرکس که من مولای اویم، پس این علی مولای اوست ...

در همین روز، خدای عزوجل چنین نازل کرد:

امروز، دینتان را کامل کردم، نعمت را بر شما تمام ساختم و چنین اسلامی را به عنوان دین، برایتان پسندیدم (1).

ص: 36

... ای مردم! من مانند هارونم در میان آل فرعون و مانند باب توبه ام در میان بنی اسرائیل، همچون کشتی نجاتم در میان قوم نوح. من خبر عظیم و راستگوی بزرگ هستم ...

آری! این خطبه که شامل انتقادهای فراوان به شخص خلیفه و سیر حکومت ابوبکر است، در تاریخ با نام «خطبة الوسيلة» به یادگار می ماند.

پس از پایان این اتمام حجت، امیر مؤمنان علیه السلام، قرآن تألیفی خویش را به منزل می برند.

این قرآن، یادگار نبوت و امامت تا زمان ظهور امام زمان علیه السلام است.

ص: 37

هشتمین و نهمین روز پس از وفات

فهرست اموال مصادره شده

در طی این دو روز، همانند سه روز گذشته، حضرت صدیقه طاهره علیها السلام مراجعه هایی برای بازپس گیری اموال خویش دارند.

تاریخ حکایت می کند که تا روز نهم، غیر از باغ های هفت گانه و فدک، بقیه اموال، توسط دستگاه خلافت غصب شده است. (1)

این اموال، شامل مواردی فقهی مانند ارث و خمس می شوند که ابوبکر، به بهانه حدیث مجعول « پیامبران ارث نمی گذارند» تمامی این اموال را غصب می کند.

در پی مراجعه های حضرت زهرا علیها السلام برای بازپس گیری ارث و

ص: 39

1- علت مصادره نشدن این باغها قابل بررسی است؛ به لحاظ سیاسی، مصادره این ملک برای دستگاه خلافت تبعات سنگینی می توانست داشته باشد و بنی هاشم را که از عایدات این باغ ها بهره مند بودند، از پوسته مخالفت ضمنی درآورده و به ستیز علنی با حکومت وقت وارد میکرد.

خمس، خلیفه ادعا می کند که حتی خمس هم متعلق به ایشان نیست و خلیفه، تقسیم آن را به عهده خواهد داشت.

در تاریخ اشاره شده است که در برخی از مراجعه ها، عباس عموی پیامبر صلی الله علیه و اله، حضرت زهرا علیها السلام را همراهی می کرده است.

البته هیچ یک از این موارد، تأثیری در روند مصادره اموال پدید نمی آورد و تا پایان خلافت ابوبکر، هیچ کدام از این اموال مسترد نمی شود.

نکته قابل توجه در این ماجرا این است که سهم همه مسلمانان از محصول و زمین خیبر و اراضی بنی نضیر - از جمله سهم شخص خلیفه اول، خلیفه دوم و دخترانشان - محترم شمرده می شود.

جالب تر آن که دختر خلیفه اول، در حجره و خانه ای زندگی می کند که میراث رسول خدا صلی الله علیه و اله و «ارث پیامبر صلی الله علیه و اله» است.

وی پس از چندی، منزل و حجره شخصی رسول خدا صلی الله علیه و اله را نیز تصرف می کند تا در آینده، پدر خویش را در آن جا و در کنار قبر پیامبر صلی الله علیه و اله و دفن نماید.

وی بعدها خانه خود و خانه رسول خدا صلی الله علیه و اله را با این شرط که تا پایان حیات در تصرف خودش باقی بماند، به بهایی گزاف به خلفای وقت می فروشد.

این برخوردهای دوگانه در باب «ارث گذاری انبیا» تأمل برانگیز است.

اموال صدیقه طاهره علیها السلام به شرح زیر است:

□

ص: 41

دهمین روز پس از وفات

آغاز مصادره فدک

دستگاه خلافت، اینک از تثبیت نسبی برخوردار شده است.

سقیفه گران، با مصادره میراث پیامبر صلی الله علیه و اله و سهم ذی القربا (خمس)، پیروزی دیگری را تجربه کرده اند.

اینک خبرها حکایت از تصمیم خلیفه به مصادره دیگر اموال اهل بیت علیهم السلام می کند.

حاکمان سقیفه، پس از مصادره ارث خاندان وحی علیهم السلام و خمس متعلق به ایشان، چشم به فدک دوخته اند.

فدکی که هبه و هدیه ی رسول خدا صلی الله علیه و اله به صدیقه طاهره علیها السلام است و حکم ارث یا خمس بر آن جاری نمی شود.

این خبر به خانه وحی می‌رسد. آن بانوی الهی علیها السلام مقنعه به سر می‌افکنند و خود را در چادری می‌پیچند و با گروهی از زنان بنی هاشم به جانب مسجد رسول خدا صلی الله علیه و اله گام می‌نهند.

ورود آن حضرت علیها السلام، هم زمان با حضور ابوبکر در مسجد است.

آن حضرت علیها السلام در پس پرده می‌نشینند و خطبه ای رسا، علیه دستگاہ حاکم ایراد می‌فرمایند.

این خطبه که مخاطبش گروه زیادی از مهاجر و انصار بود، بعدها به «خطبه فدکیه» شهرت می‌یابد، چرا که در مراحل پایانی مطالبه «میراث» و آستانه تحقق «غصب فدک» ایراد گردیده است.

در این سخنرانی، صدیقه طاهره علیها السلام پس از حمد و ثنای الهی و معرفی پدر بزرگوارشان رسول خدا صلی الله علیه و اله، از گسترش روند نامسلمانی و برخاستن پرچم نفاق سخن راندند.

در پی آن، به استناد آیات قرآن کریم، خود را میراث دار رسول خدا صلی الله علیه و اله معرفی کرده و به شدت به مصادره ارث خویش توسط خلیفه وقت اعتراض می‌نمایند.

سخن حضرت زهرا علیها السلام در اوج خویش، چندین بار زیرکانه توسط خلیفه قطع می‌گردد تا از تأثیر آن کاسته شود، اما در نهایت، آن چنان تأثیر می‌گذارد که در تاریخ نقل می‌کنند:

تا به آن روز دیده نشد که مردمان چنین ناله و گریه ای سر دهند.

کار آن چنان سخت گردید که خلیفه که تا آن لحظه همواره به نرمی و محترمانه سخن می گفت و حتی بعضا با سر خم کردن و گریان شدن، عواطف خویش را از جنایات اطرافیانش، متأثر نشان می داد و خشونت های لفظی و عملی را بر عهده دیگران می گذاشت، این بار خطر را به روشنی دریافته و زبان خویش را از بند سیاست بازی بیرون می کشد.

وی با اشاره به امیر مؤمنان علیه السلام که در مسجد حضور داشتند، برای سرکوب احساسات برانگیخته مردم، بر روی منبر رفت و گفت:

این چه سر و صدایی است که راه انداخته اید؟ همانا او رویاهی است که شاهد او، دم اوست. برپا کننده ی فتنه است. کمک از ضعفای می خواهد و یاری از زنان می طلبد [و این جا نیز سرش را پایین انداخته است.] او مانند اُمّ طِحَال (1) است که عزیز ترین کسان نزد وی افراد فاحشه بودند.

این حکایت به قدری تکان دهنده و توهین آمیز است و عنان سخن آن چنان از دست خلیفه رها شده که «ابن ابی الحدید سنّی مذهب» نیز متعجبانه از استاد خویش «ابویحیی جعفر بن یحیی بن ابوزید بصری» می پرسد:

ابوبکر تمام این کلمات را به علی [علیه السلام] نسبت داده است؟!!

استاد پاسخ می دهد:

ص: 45

1- زنی که در بدکارگی در جاهلیت شهره بود؟!!

آری پسر، ملک و سلطنت است که کار را بدین جا می کشاند!

سخنان خلیفه با تهدید شدید انصار به سرکوب توسط نظام خلافت پایان می پذیرد و حضرت صدیقه طاهره علیها السلام و امیر مؤمنان علیه السلام به منزل باز می گردند.

ابوبکر نیز از منبر پایین می آید.

سخنان صدیقه کبری علیها السلام تأثیر شگرفی بر روند وقایع بعدی داشته است.

با تأثیر عمومی این سخنان، 12 نفر از مهاجر و انصار تصمیم می گیرند که به هر صورت ممکن، ابوبکر را از منبر پایین کشیده، خلافت را به صاحب اصلی آن تحویل دهند.

در این میان، ترس از بی نتیجه ماندن این کار و خطر جانی چنین عملی، آنان را به مشورت با امیر مؤمنان علیه السلام فرا می خواند.

هم پیمانی دوازده نفر

امیر مؤمنان علیه السلام، چنین عملی را نامناسب می بینند و می فرمایند:

اگر بخواهید ابوبکر را از منبر پایین بکشید، شما را تار و مار می کنند و به جایی نخواهید رسید، چرا که این امت، سخن پیامبر صلی الله علیه و اله را رها کرده اند.

اما به سراغ آن مرد بروید و آنچه را از پیامبر صلی الله علیه و اله شنیده اید، به او بگویید که این بهترین اتمام حجت برای اوست؛ تا روز قیامت او را با دست خالی در برابر خداوند قرار دهند.

این دوازده تن، هم پیمان می شوند که فردا حجت را بر ابوبکر تمام سازند.

نام این دوازده تن چنین است:

7 نفر از مهاجران: مقداد، سلمان، ابوذر، عمار، ابی بن کعب، بریده اسلمی و خالد بن سعید.

5 نفر از انصار: خزیمه بن ثابت، سهل بن حنیف و برادرش عثمان، ابویوب انصاری و ابوهیثم بن تیّهان.

ص: 47

یازدهمین روز پس از وفات

دوازده مرد پایدار

اینک آن دوازده نفر در کنار منبر پیامبر صلی الله علیه و اله نشسته اند.

گروه زیادی از اهل مدینه نیز در مسجد حضور دارند.

با ورود خلیفه و همراهان و نشستن خلیفه بر منبر پیامبر صلی الله علیه و اله اولین نفر از این گروه بر می خیزد: خالد بن سعید بن عاص.

او حدیثی را که خود از پیامبر صلی الله علیه و اله شنیده است، می خواند و در آن، به خلیفه واقعی رسول خدا صلی الله علیه و اله اشاره می کند و از ابوبکر می خواهد که تقوا را پیشه کند.

عمر حرف او را قطع می کند.

خالد بن سعید با شدت به عمر حمله کرده و با به یاد آوردن نسب او و فرارهایش در جنگ ها، او را منکوب می سازد.

از اوضاع مسجد، خلیفه و اطرافیان می فهمند که گروهی با قرار قبلی پای به میدان سخن نهاده اند.

پس از سکوت عمر در برابر حمله شدید اللحن خالد بن سعید، تا پایان سخنان این دوازده نفر، احدی از سقیفه گران سخن نمی گوید.

سلمان با ابوبکر سخن می گوید و ابوذر بدون توجه به خلیفه، مسلمانان را مخاطب قرار داده و آنان را توییخ می کند.

مقداد روی کلام را به ابوبکر بر می گرداند و با سخنان قاطع خویش، او را به نیرنگ متهم می سازد...

آخرین نفر ابویوب انصاری است که با حدیثی در مدح امیر مؤمنان علیه السلام، گفتار خویش را به پایان می رساند.

تأثیر احتجاج در مسجد

جو مسجد بسیار سنگین است. بر سر منبر، ابوبکر که خود را از پاسخ ناتوان می بیند، می گوید:

خلیفه تان بودم، ولی بهترینتان نبودم، رهایم کنید.

عمر به خشم می آید: ای پست و فرومایه پایین بیا! تو که خود را لایق نمی دیدی، چرا خود را در آن قرار دادی؟ به خدا قسم باید تورا برکنار کنم و سالم غلام ابو حذیفه را جای تو قرار دهم.

ابوبکر پایین می آید و با اطرافیانش از مسجد خارج شده و به سوی منزل خویش می رود.

اهل مدینه منتظر سرانجام کار هستند.

خطابه فاطمی و در پی آن، اعتراض این دوازده نفر، ضربه مهلکی بر پیکره خلافت نوپای ابوبکر زده است.

دوازده، سیزده و چهاردهمین روز پس از وفات

سه روز خانه نشینی و برنامه ریزی

ابوبکر در این سه روز در منزل می ماند و به مسجد نمی آید. زمزمه هایی به گوش می رسد و گمانها بر این نظر می شود که شاید ابوبکر در صدد تحویل حکومت به صاحب اصلی آن است.

بنی هاشم نیز به این سخنان دامن می زنند. اما خلیفه از این خانه نشینی هدف دیگری را دنبال میکند. یاران او در صدد هستند که برای تثبیت ابوبکر، به هر هدفی که در مقابل ایشان است و آن را به چنگ نیاورده اند، هجوم برند!

این اهداف را این چنین می توان برشمرد:

(1) تثبیت قاطعانه ی خلافت.

(2) تصمیم قطعی و تأکید بر موضع قبلی در قبال «مصادره فدک» به عنوان آخرین دارایی اهل بیت علیهم السلام.

(3) گرفتن بیعت از امیر مؤمنان علیه السلام به هر صورت ممکن.

پانزدهمین روز پس از وفات

سقیفه ای دیگر

در چهارمین روز، خالد بن ولید، سالم غلام ابو حذیفه و مُعَاذ بن جَبَل، هر یک با گروه زیادی از افراد مسلح قبیله ی خود و هم پیمانانشان و هم چنین طلحه، عثمان، عبدالرحمان بن عَوف، سَعْد بن ابی وَقَّاص، ابو عُبَیْدَه و سعید بن عَمر و بن نُفَیل، هر یک به همراه عده ای از قبیله خویش، به کنار خانه ی ابوبکر می آیند و شمشیرها را بیرون می آورند و اعلام می کنند:

جز ابوبکر کسی را خلیفه نمی دانیم.

ابوبکر به همراهی این گروه از خانه خارج می شود و با عبور از کوچه های مدینه، وارد مسجد پیامبر صلی الله علیه و اله شده، از منبر بالا رفته و بر فراز آن قرار میگیرد.

عمر فریاد می زند:

ص: 53

به خدا قسم ای صحابه علی! اگر سخنی همانند آن چه قبلا از شما شنیدیم، بگوئید، جانتان را خواهیم ستاند.

برخی زبان به اعتراض می گشایند، اما عم-ر برای کشتن آنان به سویشان حمله میکند.

امیر مؤمنان علیه السلام بر می خیزد و عمر را به گوشه ای پرت کرده و از حمله اطرافیان عمر به معدود حامیان خویش جلوگیری میکند.

ایشان، یاران خویش را به سکوت دعوت می کنند و رحمتِ خدایی را برای آنان طلب می نمایند.

غانله فرو می نشیند.

اینک، بار دیگر ابوبکر بر منبر رسول خدا صلی الله علیه و اله نشسته است.

مصادره قطعی فدک

قدرت حاکمه برای نشان دادن اقتدار خویش، در همین روز، یعنی پانزدهمین روز پس از وفات رسول خدا صلی الله علیه و اله، کارگزاران حضرت صدیقه کبری علیها السلام را از فدک اخراج می کند.

این تصمیم، به ظاهر در آغاز صبح و با فرستادن عناصر خلیفه به سوی منطقه خیبر و دهکده فدک صورت گرفته است.

اینک دو هدف مهم، جامه عمل به خود گرفته است:

1 - تثبیت خلافت.

2 - غصب فدک.

ص: 54

شانزدهمین روز پس از وفات

فهرست دیگری از اموال مصادره شده

عاملان صدیقه طاهره علیها السلام که دیروز از فدک اخراج شده اند، امروز وارد مدینه شدند. بدین ترتیب، منازعه صدیقه طاهره علیها السلام با دستگاه خلافت به مرحله ای جدید وارد می شود.

به غیر از فدک، اموال دیگری نیز در آینده - پس از شهادت صدیقه طاهره علیها السلام - غصب خواهد شد.

خانه های رسول خدا صلی الله علیه و اله از این جمله اند. [\(1\)](#)

همانگونه که اشاره گردید، عایشه، نه تنها خانه خویش را در تملک دارد، بلکه خانه شخص پیامبر صلی الله علیه و اله را نیز به تصرف در می آورد. وی خانه خویش را یک بار در زمان عثمان و بار دیگر در زمان معاویه به خلفای وقت می فروشد!

ص: 55

1- این خانه ها به تصریح تاریخ، متعلق به پیامبر صلی الله علیه و اله بوده است و پس از وفات پیامبر صلی الله علیه و اله، وارث حقیقی این خانه ها، حضرت صدیقه طاهره علیها السلام بوده اند.

قیمت فروش در یکی از این موارد 200000 در هم است. (1)

البته عایشه - دختر خلیفه اول - در فروش این ملک، شرط می گذارد که تا آخر عمرش در آن جا ساکن باشد.

ص: 56

1- در آن زمان، هر 4 درهم، خرج متوسط یک خانوار در یک ماه بوده است.

هفدهمین روز پس از وفات

آغاز تلاش برای بازپس گیری فدک

پس از مصادره فدک، حضرت صدیقه طاهره علیها السلام مراجعه های مکرری برای بازپس گیری فدک داشتند که چندین روز ادامه یافت.

این ملک، نه حکم «ارث» را بر خویش دارد و نه شامل «خمس» می شود.

خلیفه اول به شکلهای مختلف، از پس دادن این ملک امتناع می کند.

حضرت صدیقه طاهره علیها السلام با این منطق که فدک «هدیه و هبه ای» از جانب خداوند و رسول خدا صلی الله علیه و اله به ایشان است، سخن خویش را به پیش می رانند.

خلیفه، بارها شهود صدیقه طاهره علیها السلام را تخطئه می کند و اطرافیان دستگاه خلافت، علیه آن حضرت علیها السلام، هم داستان می شونند....

ص: 57

تنظیم سند استرداد فدک

به اشاره و راهنمایی امیر مؤمنان علیه السلام و در یک فرصت مناسب، حضرت صدیقه کبری علیها السلام وارد مسجد می شوند.

زمانی که ابوبکر در میان عده ای بر منبر رسول خدا صلی الله علیه و اله در مسجد نشسته است و عمر بن خطاب و دیگر عناصر اصلی سقیفه، همراه او نیستند. حضرت صدیقه کبری علیها السلام ابوبکر را مخاطب قرار می دهند و با آوردن شاهد و گرفتن گواه از حاضران در مسجد، فدک را بخشش رسول خدا صلی الله علیه و اله را به خود می دانند.

ابوبکر که خود را در برابر عمل انجام شده می بیند، برای حفظ آبرو و عوام فریبی، دستور می دهد تا قلم و دواتی بیاورند.

سند باز پس دادن فدک در حضور حاضران تنظیم می شود.

بازپس گیری فدک

به نظر می رسد یکی از شاهدان این ماجرا، خبر را برای عمر می برد. عمر با نزدیک شدن به مسجد، آگاهی پیدا می کند که سند استرداد قدک در حال تنظیم است. او شرایط را برای ورود به مسجد و جلوگیری از نوشتن قباله ی استرداد فدک مناسب نمی بیند.

لذا برای گرفتن قباله ی فدک، در کنار مسجد به انتظار بازگشت صدیقه طاهره علیها السلام به سوی خانه اش می ماند...

در نهایت این سند، توسط عمر، به اکراه و اجبار از آن بانو گرفته و پاره می شود.

چهارمین هفته پس از وفات

سرمست از پیروزی

با حضور حضرت زهرا علیها السلام در صحنه مخالفت علنی با ابوبکر و استمرار مطالبه فدک، دستگاه خلافت هنوز خود را تثبیت شده نمی یابد.

اینک خلیفه، به آخرین نقشه نیز باید جامه عمل بپوشاند.

در مسجد باز هم سخنان سیاست بازان بلند می شود:

تا از علی بیعت نگیریم، راه به جایی نبرده ایم.

آری! اخذ بیعت از امیر مؤمنان علیه السلام - که خود صاحب بیعت غدیر است - برای توجیه افکار عمومی که با تلاشهای خستگی ناپذیر حضرت زهرا علیها السلام رو به بیداری است، بهترین ترفند است. رسوایی های پی در پی خلیفه در برخورد با خاندان وحی علیهم السلام و پیروان ایشان، نظام خلافت را متقاعد ساخته است که باید بیعت را بر امیر مؤمنان علیه السلام تحمیل نماید.

نهایت آمال و آرزوی آنان را باید در نبود امیر مؤمنان علیه السلام جستجو کرد. برای رسیدن به این مقصود، بار دیگر قُنْفُذ به همراه گروهی راهی می شود تا به هر نحو ممکن، امیر مؤمنان علیه السلام را برای بیعت بیاورد؛ اما سخنان حضرت زهرا علیها السلام دست قُنْفُذ را کوتاه می کند.

قُنْفُذ به مسجد برمیگردد و بیان می دارد که حضرت زهرا علیها السلام به پشت درآمده و از ورود آنها جلوگیری به عمل می آورد.

هتک حرمت فاطمی را خلیفه دوم به عهده میگیرد:

ما را چه کار با زنان!

او، خالد بن ولید و قُنْفُذ را طلب می کند. طبق برنامه از قبل پیش بینی شده، جماعتی نزدیک به سیصد نفر جمع می شوند.

خلیفه اول میگوید:

اورا به شدیدترین صورت ممکن از خانه خارج کنید و برای بیعت بیاورید. اگر امتناع کردند، با ایشان بجنگید.

گروهی با شمشیر و نیزه و برخی هیزم به دست، به سوی خانه امیر مؤمنان علیه السلام حرکت میکنند.

تجمع مردان مسلح

اینک گروه زیادی مقابل در خانه حضرت صدیقه طاهره علیها السلام ایستاده اند.

کوچه های اطراف مسجد از فراوانی مردان مسلح، بسته شده و خانه به محاصره درآمده است.

از سوی دیگر، در خانه جز امیرمؤمنان علیه السلام، صدیقه طاهره علیها السلام و فرزندان ایشان کسی حضور ندارد.

فریاد عمر، اهل خانه را مخاطب قرار می دهد:

اگر در را باز نکنید، خانه را با اهلش، به آتش میکشیم.

ای علی! برای بیعت و ورود به اجتماع مسلمانان خارج شو! وگرنه تو را می کشیم.

خالد بن ولید، عبدالرحمان بن عوف، قُنفُذ، أُسَید بن حُصَیر، مُغیرة بن شُعبه، ابوَعُیَیْده، سالم غلام ابوْحُدَیْفه، محمد بن مَسَلَمَه، زید بن ثابت و... نیز عمر بن خطاب را همراهی میکنند.

آخرین هجوم (=هجوم اصلی)

حضرت صدیقه کبری علیها السلام پشت در می آیند و می فرمایند:

ای گمراهان دروغ پرداز! چه می گوئید! و چه چیزی را طلب میکنید؟

پاسخ روشن است، آنها خروج امیرمؤمنان علیه السلام را خواستارند.

عمر می گوید: این اباطیل را رهاکن و سخنان زنانه را کنار بگذار و به علی بگو خارج شود.

صدیقه طاهره علیها السلام امتناع می کنند. ایشان می دانند که این قوم، قصد جان امیرمؤمنان علیه السلام را دارند. مهاجمان هیزم ها را به آتش کشند، آتش به چوب در اثر میکند و دود وارد خانه می شود.

قُنفُذ تلاش میکند که در را باز کند. حضرت علیها السلام مانع می شوند.

عمر با تازیانه دستهای بانوی دوسرا را از در دور می سازد.

لگد عمر در آتشین را میگشاید و حضرت صدیقه علیها السلام در بین دیوار و در، فرزند خویش حضرت محسن علیه السلام را از دست می دهند. ایشان از هوش رفته و با صورت بر زمین می افتند.

مهاجمان وارد خانه می شوند و امیر مؤمنان علیه السلام را با ریسمانی سیاه که بر گردن ایشان افکنده اند، بیرون می آورند.

آن حضرت علیه السلام رو به قبر رسول خدا صلی الله علیه و اله می نمایند و می گویند:

ای پسر مادرم! این قوم مرا خوار کردند و بر قتل من همت گماشتند. (1)

صدیقه طاهره علیها السلام به هوش می آید و به سوی امیر مؤمنان علیه السلام می روند تا آن حضرت علیه السلام را از دست مهاجمان رهایی بخشند.

مهاجمان نیک می دانند که با حضور آن بانوی الهی، بیعت گرفتن از امیر مؤمنان علیه السلام امکان پذیر نیست و حضرت صدیقه کبری علیها السلام مانعی در این راه است. تازیانه عمر به کتف بانوی دو عالم می نشیند؛ خالد بن ولید با غلاف شمشیر از حضرت زهرا علیها السلام استقبال می کند؛ تازیانه ای از سوی قُنُذُ صورت و چشم حضرت صدیقه علیها السلام را نشانه می رود؛ مُغْبِرَة بن شُعْبَة نیز ضرباتی را بر پیکر رنجور دخت رسول خدا صلی الله علیه و اله وارد می آورد...

اینک امیر مؤمنان علی علیه السلام را تنها و غریب، به سوی صحنِ مسجد می برند.

یگانه یاور او، غرق در خون، بر زمین افتاده است.

ص: 62

نقشه تقریبی بیت فاطمه در سال یازدهم هجری

□

1 - قبله (جنوب) 2 - ستون حَرَس 3 - مدفن خاتم الانبیا صلی الله علیه و اله

4 - ستون وفود 5 - در خانه حضرت زهرا علیها السلام 6 - منزل مسکونی امیرمؤمنان علیه السلام

7 - باب جبرئیل علیه السلام 8 - به طرف بقیع

ص: 63

امیر مؤمنان علیه السلام را در مقابل ابوبکر می نشانند.

عمر بن خطاب، خالد بن ولید، ابو عبیده، سالم غلام ابو حذیفه، معاذ بن جبل، مغیره بن شعبه، اسید بن حضیر، بشیر بن سعد و... همگی با سلاح، بالای سر و اطراف امیر مؤمنان علیه السلام جمع اند.

عده ای دست و بازو و لباس حضرت امیر علیه السلام را گرفته اند.

امیر مؤمنان علیه السلام می فرمایند:

چه زود بر اهل بیت پیامبران حمله بردید!...

آیا در امر خلافت [در غدیر خم] با من بیعت نکردید!

عمر بر روی شانه های حضرت علیه السلام می نشیند و میگوید: بیعت کن و این اباطیل را کنار بگذار! اگر بیعت نکنی تو را خواهیم کشت! قسم یاد می کنیم که گردن تو را خواهیم زد!

امیر مؤمنان علیه السلام می فرمایند: در این صورت بنده خدا و برادر رسول خدا صلی الله علیه و اله را میکشید.

عمر میگوید: بنده خدا بودن تو را قبول داریم، اما برادری تو با رسول خدا را انکار میکنیم...

سلمان، ابوذر، مقداد، عمار و أمّ ایمن و أمّ سلمه - از همسران نیکوکار رسول خدا صلی الله علیه و اله -، به دفاع از امیر مؤمنان علیه السلام سخن می رانند.

اطرافیان خلیفه مجادله میکنند و سخن به درازا می انجامد و قوم به بیعت یا قتل امیر مؤمنان علیه السلام اصرار می ورزند.

مهاجمان دست گره شده امیر مؤمنان علیه السلام را بالا می آورند.

صدیقه طاهره علیها السلام با بدنی رنجور وارد مسجد می شود و چون شمشیرهای برهنه را بالای سر امیر مؤمنان علیه السلام مشاهده می کنند، به تلخی ندا می دهند:

ای ابوبکر! چه زود بر اهل بیت رسول خداصلی الله علیه و اله نیرنگ بستی.

به خدا قسم! بر سر قبر پدرم می روم و [در خلوت آن جا] موی پریشان میکنم و شکایت به درگاه الهی می برم.

ابوبکر که به اهداف خود دست یافته است، به همان بیعت نمایشی اکتفا کرده و دستور می دهد تا مهاجمان، امیر مؤمنان علیه السلام را رها سازند.

آن بانوی بهشتی با قلبی اندوهگین و بدنی پر از جراحی، به خانه بر می گردند.

اینک مسجد النبی آخرین گام های سرور زنان اهل بهشت را بر صحن خویش لمس میکند.

حضرت صدیقه علیها السلام، از این پس همنشین بستر بیماری است.

سلمان می گوید:

آن بانوی الهی در پس این وقایع، پیوسته همنشین بستر بودند تا به سبب آن جراحات، شهید گشتند.

(0) دوشنبه: رحلت جانگداز خاتم الانبیا صلی الله علیه و اله - تشکیل سقیفه بنی ساعده و غصب خلافت.

(1) سه شنبه: اخذ بیعت اجباری از ساکنین مدینه (بیعت عمومی) احتجاج امیر مؤمنان علیه السلام درباره خلافت در مسجدالنبی و مراجعه به منزل - تدفین غریبانه خاتم الانبیا صلی الله علیه و اله در نیمه شب.

(2) چهارشنبه: اولین روز از ایام جمع آوری قرآن - اولین روز از ایام تحصن در بیت فاطمه علیها السلام - هجوم های مقدماتی.

(3) پنج شنبه: دومین روز از ایام جمع آوری قرآن - دومین روز از ایام تحصن در بیت فاطمه علیها السلام.

(4) جمعه: سومین روز از ایام جمع آوری قرآن - سومین روز از ایام تحصن در بیت فاطمه علیها السلام - هجوم منجر به شکست تحصن - اولین نوبت از استنصارهای شبانه.

- (5) شنبه: ایام مطالبه میراث و سهم ذی القربا توسط حضرت فاطمه علیها السلام - دومین نوبت از استتصارهای شبانه.
- (6) یکشنبه: ایام مطالبه میراث و سهم ذی القربا توسط حضرت فاطمه علیها السلام - سومین نوبت از استتصارهای شبانه.
- (7) دوشنبه: ایام مطالبه میراث و سهم ذی القربا توسط حضرت فاطمه علیها السلام - بی وفایی صحابه در یاری رساندن به امیرمؤمنان علیه السلام - عرضه ی قرآن توسط امیرمؤمنان علیه السلام و ایراد خطبه "وسیله".
- (8) سه شنبه: ایام مطالبه میراث و سهم ذی القربا توسط حضرت فاطمه علیها السلام.
- (9) چهارشنبه: ایام مطالبه میراث و سهم ذی القربا توسط حضرت فاطمه علیها السلام.
- (10) پنجشنبه: خطابه ی فاطمی در مسجدالنبی.
- (11) جمعه: سخنرانی دوازده نفر از یاران امیرمؤمنان علیه السلام در مسجدالنبی و احتجاج آنها با ابوبکر درباره خلافت، پس از کسب اجازه از امیرمؤمنان علیه السلام.
- (12) شنبه: ایام (سه روزه) انزوای سیاسی ابوبکر.
- (13) یکشنبه: ایام (سه روزه) انزوای سیاسی ابوبکر.
- (14) دوشنبه: ایام (سه روزه) انزوای سیاسی ابوبکر.
- (15) سه شنبه: تثبیت دوباره پایه های حکومت ابوبکر توسط عناصر مسلح کودتا - اخراج کارگزاران حضرت زهرا علیها السلام از فدک
- (16) چهارشنبه: رسیدن خبر غصب فدک به صدیقه طاهره علیها السلام در مدینه.

(17) پنج شنبه: ایام مطالبه فدک.

(18) جمعه: ایام مطالبه فدک.

(19) شنبه: ایام مطالبه فدک.

(20) یک شنبه: ایام مطالبه فدک - احتمال وقوع هجوم اصلی در این روز یا پس از آن.

(21) دوشنبه: ایام مطالبه فدک - احتمال وقوع هجوم اصلی در این روز یا پس از آن.

ص: 69

منابع استخراج روز شمار فاطمیه

این نوشتار براساس مطالب مندرج در مآخذ ذیل به رشته تحریر درآمده است:

(منابع تخصصی در زمینه استخراج حوادث هجوم اصلی و زمان وقوع آن:)

(1) الهجوم علی بیت فاطمه علیها السلام : عبد الزهراء مهدی.

(2) دانشنامه شهادت حضرت زهرا علیها السلام (جلد 2 - 1): علی تباف.

(منابع تخصصی در زمینه آشنایی با دلایل سکوت امیر مؤمنان علیه السلام در ماجرای هجوم:)

(3) مظلومی گمشده در سقیفه (جلد 2 و 4): علی تباف.

(منابع تخصصی در زمینه مصادره اموال حضرت زهرا علیها السلام:)

(4) عبور از تاریکی: عدنان درخشان، علی الباف.

(منابع تخصصی در زمینه آشنایی با ماجرای سقیفه و غصب خلافت:)

(5) سقیفه: علامه سید مرتضی عسکری.

(6) پس از غروب: یوسف غلامی.

(7) تاریخ خلفا: رسول جعفریان.

(8) خاستگاه خلافت: عبدالفتاح عبدالمقصود.

(9) جانشینی حضرت محمد: ویلفرد مادلونگ.

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه موفق به تولید نرم‌افزارهای تلفن همراه، کتاب‌خانه‌های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می‌شود.

برای خدمت‌رسانی بیشتر شما هم می‌توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می‌دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک می‌گوییم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه‌ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

